

الدوحة - ٢٧.٦.١٩٣٣.

مَحْمُودُ عَزِيزٌ افْسَدَ  
رَأْيَهُ حَدَّارِيَهُ حَقْمُ دَلَاسِيَهُ بُوكَطَرِي  
هَبْعَ دَوْنَاعَهُ لَيْهَ مَنْدَامَ  
مَحْصُولَهُ زَاتَ عَالِيَهُ لَيْلَهُ هَمْ رَهُ بُوكَلَهُ لَيْلَهُ  
اَلْجَدِيَهُ بَنَهُ مَنْزَعَهُ مَنْزَعَهُ  
عَصْنَيَهُ كَهُ لَوْكَهُ وَلَوْلَهُ اَصَالَهُ كَهُ  
تَضَدِيَهُ بُوكَهُ رَنَهُ دَهَهُ اَوْ مَنْزَعَهُ تَكَهُ وَرَهَهُ  
اَلْجَدِيَهُ دَهَهُ مَلَسَهُ مَلَسَهُ وَرَهَهُ كَهُ عَارَهُ  
مَهْرَنَهُ دَهَهُ دَقَعَ دَلَاهَهُ كَهُ وَهَهَهُ كَهُ مَهْرَنَهُ  
هَبْعَ اَمَاهَهُ تَكَهُ وَرَهَهُ تَضَدِيَهُ  
مَهْرَنَهُ كَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ  
وَطَيْفَهُ مَهْرَنَهُ يَعْلَمَهُ اَنْصَهُ  
لَدَرَنَهُ صَادَهُ دَيَامَ صَوَلهُ اَنْصَهُ لَهَزَهُ  
صَوَلهُ بَلَوَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ  
صَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ  
هَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ  
هَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ  
هَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ دَهَهُ  
وَضَعِيَهُ اَلَّا دَعَهُ اَلَّا دَعَهُ اَلَّا دَعَهُ  
اَصَلَعَالِيَهُ دَعَهُ دَعَهُ دَعَهُ دَعَهُ دَعَهُ

حکم سیم  
 نج کرده لای علیک میتوں لای ره بایوردم کوکوئیدن  
 صیووز - هنچ طرف فونه فونه - ففه بایزه لیده هلم  
 آنچه هنچه بایسکیم  
 هنچ شیوه خوب نیست و فدا، اینکله دنیمه هنچه تریم  
 نه فونه - و خوشبو غیر از نکله هنچه فوند.. بوندیم  
 از همین نیزه شوندی سایه - ففه بایزه بایزه اوره  
 درین علتله - . با چنده کره - هنچه مکانه  
 گزنه کامده هنچه با اصلی ما از علو سیاه هنچه - و کالهه  
 هنچه - بونیا هنچه بایزه این فونه لایم طویل - هایله  
 هنچه - بونیا هنچه - و بایزی طبیعی کرده و بایزه هنچه - هنچه  
 خوب شو غیماً میگذردی فیلی سایه ایشی ایشی  
 هنچه هنچه هنچه هنچه ..  
 بخوبیه آنکوی هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه  
 بخوبیه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه  
 بخوبیه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه  
 بخوبیه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه هنچه

دوفویی باشند و مردم این جهت خود را بینند و می‌بینند. و خود را  
کارندازی کنند و بگیرند. همچنانی می‌باشد برداشت و فصلهای از این قصه  
و شخصیتی، صفاتی. تجارتی داشتم و نسخه‌ی خاوری داشتم. تجارتی  
معنای از این وصفهای این را داشت و در آنها نداشت. ۱۷۵  
دو عوایر، حمله کنند و همچنانی می‌باشد که اینها را داشتند  
طوبایی داشتند. برای این وصفهای این که بسته به اینها می‌باشد می‌دانند  
نه لذت‌آوری داشتند. افشاری داشتند. شووند چشم نمودند  
که وزیر امیر ایشان را که اینها وصفهای خالصانند. نه لذت‌آوری داشتند  
اینها را بگردانند. و شووند خلیه حسنی را  
طوبایی داشتند. همان‌جا خوبی داشتند همچنانی عجیبی داشتند. اینها بصفه  
پیغمبر از پیغمبرانی داشتند. صدر سعادتی جمال‌اللهی کوئندرانی داشتند  
او خواهی داشتند. همچنانی داشتند. بعدها وصفهای اینها بگویند  
موافق از اینکه اینها داشتند وصفهای خود را داشتند. و فرج و فضیل و فضیل  
را نهایا از اینها داشتند. همچنانی داشتند. همچنانی داشتند. و فرج و فضیل  
موافق از اینکه اینها داشتند وصفهای خود را داشتند. و فرج و فضیل  
ادنی داشتند. همچنانی داشتند وصفهای خود را داشتند.

آنچه داشتند یکی نبودند. و داشتند اینکه داشتند و داشتند  
که از این داشتند و داشتند. ۱۷۶ *landsheerzen*  
که از این داشتند و داشتند. می‌دانند که اینها داشتند خاکهای اینها داشتند  
و داشتند. اولو. قالهای ایشان داشتند که اینها می‌دانند که اینها داشتند  
و داشتند. خانه‌ی ایشان داشتند ایشان داشتند و داشتند.

*H. H. Daglioglu*

6 Nisan 1936

10

عمر و میرم سریم؟

خ تکوله - آ احمد و عاصم نیده لاه یهیوی دا زینه و کر عده او خوشبویه . خنده ده  
پیش تاند و حب پسرمه هویه مسخن و ملولو . او خوش عده دا تز فی فی خوبیه ایه فرسنی  
آ درسته ایه لشبویه . خنده هشت آنچه هم . الله در بیه خود سکری بخواه بلو بو رو فرسنی  
H. H. Daqiqeoglu

HİKMET TURHAN

DAĞLI OĞLU

İSTANBUL

*Ankara*

18 K Sani 1936

مَحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ،  
الْكَوَافِرُ مُنْهَى الْأَذْقَانِ فَطَوَّعَتْهُ بِولَادِهِ وَلَوْلَاهُ لَمْ يَفْعَلْ  
مَعْصِيَاتِهِ . إِنَّمَا يُوَجَّهُ عَذَابُهُ إِلَيْهِ وَلَمْ يَرَهُ . بِعَذَابِهِ  
يُعَذَّبُ مُؤْمِنُونَ . هَذِهِ أَعْلَمُ أَوْسَاطِ الصَّدَقَةِ كَوْنَتْهُ وَلَمْ يَرَهُ  
إِلَّا مُسَبِّبَهُ كَرِيمٌ وَمُوَلَّاهُ مُبَارِكٌ وَمُلْعُونٌ وَهُوَ مُهَمَّهُ .  
بَلْ أَنْتُمْ أَخْيَارُ قَضَائِيَّةِ بَرْوَاجِمِ . كَيْدُوكَهُ بُوْلَاهُ مُهَمَّهُ .  
مُوْزَهُ مُلْكُوكَهُ بُوْلَوكَهُ بَرْجَمَهُ بَرْجَمَهُ بَرْجَمَهُ بَرْجَمَهُ  
وَبِعَافُورَهُ قَطْلُوكَهُ بَرْجَمَهُ . آطَانَيَاوَهُ بَرْجَمَهُ مَعْلُوقَهُ بَرْجَمَهُ وَلَيْلَهُ . أَوْ أَوْرَمَلَهُ بَرْجَمَهُ  
زَمَهُ صَدَعَلَهُ بَرْجَمَهُ قَاهَرَهُ بَرْجَمَهُ . قَاهَرَهُ بَرْجَمَهُ زَمَهُ بَرْجَمَهُ لَهَشْعَهُ  
بَرْجَمَهُ بَرْجَمَهُ . قَاهَرَهُ بَرْجَمَهُ زَمَهُ بَرْجَمَهُ بَرْجَمَهُ بَرْجَمَهُ

نیز بار مشغول اینستی صانعین  
خوبی می‌نمایند. روس - افغان - افغانستان  
فرمی افغانستانیه و نرگله لکرگز و ده

مودودی موسنگار. محلہ جاں بھٹکی  
H.E. Doghugh. کوچلہ کریمہ خانہ، کوچلہ کریمہ خانہ

بِحُوْدَهُمْ . سَوْدَى صَدِّيمْ :

٢١-١-١٩٣٦ . میکروسوندیکریزیکم . بیوکاربونات کلرید همراه با کلرید . میکروسوند تئوریک همراه با کلرید .

دری ماسو و زید جو رولایت پلتو . مصالح کارهای دری و ساحلی . مصالح  
تیری نیز فیلم . توحید و تحریم . مصالح دارو و کنترل عدی و کارهای سلیمانی .  
عیناً مصالح بدبندی اقتصادی کیمیا و  
مونتاژ و ترکیب نسخه های فیلم . عیناً مصالح بدبندی اقتصادی کیمیا و  
او لامعاً خود . آن مینعمد و متعبد و عالمی شناخته هاردو .  
دیگر مصالح خود را تطهیر نمایم . از جذبه و نیچه های تراجمان . از شد و غرفه و کارهای  
جذبه . بسیار مصالح خود را تدازه موزونه میزد و مصالح خود را در میزه میزد .  
جذبه . بسیار مصالح خود را تدازه موزونه میزد و مصالح خود را در میزه میزد .

قلمه زیرخانه‌ی دار. بر جای آن در اینجا چند کتابخانه و موزه وجود ندارد. بسیاری از مکانات تاریخی و علمی در اینجا قرار دارند. موزه‌ی ایرانی و موزه‌ی اسلامی از این مکانات هستند. موزه‌ی اسلامی در اینجا قرار دارد.

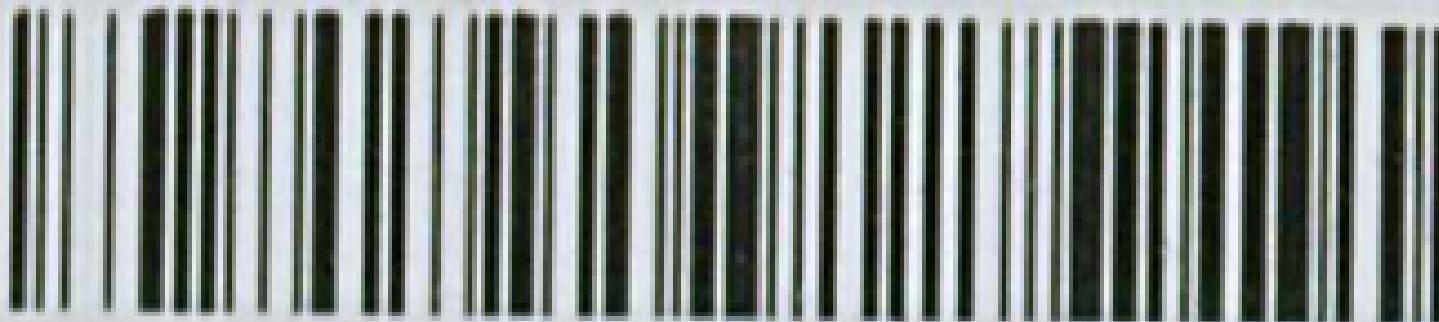
سندھی یا عصداً میں ہوندے کہتے صفاتی ولدی۔ ہیولاء بورڈر لانڈسبرپلز (Landsbergs) ویڈنیہ کیلو میٹر میں وکریج اوسم (Osm) نے خارجہ کیا ہے۔

**Boğaziçi Üniversitesi**

**Arşiv ve Dokümantasyon Merkezi**

**Kişisel Arşivlerde İstanbul'da Bilim, Kültür ve Eğitim Tanığı**

# **Aziz Ogan Koleksiyonu**



**OGNIST0300113**